

## ویژگی‌های قرآنی حضرت زینب(س)

«إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ؛ بی‌تردید انسان در زیان کاری بزرگی است؛»

یعنی تمام انسان‌ها به صورت بالقوه در خسارند. هم عقل نظری در عقل عملی اثر دارد و هم برعکس. یعنی ایمان انسان سبب می‌شود فرد به عمل کشیده شود. هر اندازه ایمان قوی‌تر باشد، کیفیت عمل بهتر می‌شود تا جایی که اعمال فرد صالح می‌شود؛ از عالی‌ترین درجات ایمان نیز ایمان به ولایت اهل بیت علیهم‌السلام است؛ ایمانی که در اعمال فرد اثر بگذارد و جنس عمل او را صالح کند.

### مراحل دست‌یابی به ایمان و عمل صالح

اولین مرحله، علم به صفات و اسمای الهی است. دومین مرحله، ایمان است؛ زیرا علم مقرون ایمان است. زینب سلام‌الله در اوج ایمانیات است. مرحله سوم، مرحله طمئنینه است. قرآن در این بخش به ابراهیم علیه‌السلام مثال می‌زند؛ آنجا که فرمود «وَ إِذْ قَالَ اِبْرَاهِيمُ رَبِّ اَرْنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى قَالَ اَوْ لَمْ تُؤْمِنْ قَالَ بَلَىٰ وَ لَكِنْ لِيَطْمَئِنَّ قَلْبِي ...» و [یاد کنید] هنگامی که ابراهیم گفت ای پروردگار من، به من نشان بده که مردگان را چگونه زنده می‌کنی؟ خداوند فرمود: آیا [به قدرتم نسبت به زنده کردن مردگان] ایمان نیاورده‌ای؟! گفت: بله، اما [با مشاهده کیفیت این حقیقت را خواستم] تا قلبم آرامش یابد.»

حضرت زینب (س) از ابتدای کودکی تا بزرگسالی داغ پنج تن آل‌عبا را دیدند؛ ایشان که در عین علم و معرفت بالایی که خداوند به ایشان عطا کرده بود، دارای احساسات فراوانی بودند. در تمام این دوران‌ها با عنایت خداوند و ائمه اطهار علیهم‌السلام مانند کوه استوار بودند.

زینب (س) شاهد ابعاد غیبی جریان عاشورا است.

خداوند در سوره انشقاق می‌فرماید «بَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمَلَّاقِيهِ؛ ای انسان، یقیناً تو با کوشش و تلاشی سخت به سوی پروردگارت در حرکتی؛ پس او را دیدار می‌کنی؛» عرب به راه رفتنی که از خودش اثر بر جای گذارد، کَدْح می‌گوید؛ مثل اینکه انسان قصد داشته باشد روی شنزار راه برود؛ هم راه رفتن مشکل است و هم اثر پای انسان در آن باقی می‌ماند. از این جهت خداوند بر لفظ کَدْح دو بار تأکید می‌کند.

در چنین فضایی کار را سخت‌تر می‌کند و می‌فرماید «سَابِقُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَ جَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ ...»؛ سبقت بگیرید به آمرزشی از سوی پروردگارتان و بهشتی که پهنایش چون پهنای آسمان و زمین است؛ یعنی در این میدان سخت و دشوار مسابقه هم بدهید.

در دیگر آیه می‌فرماید سرعت بگیرید «وَ سَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَ جَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ؛ و به سوی آمرزشی از پروردگارتان و بهشتی که پهنایش [به وسعت] آسمان‌ها و زمین است بشتابید؛ بهشتی که برای پرهیزکاران آماده شده است؛» برخی خودشان توانستند در این مسیر قدم گذارند. ارزش انسان نیز به این است که خودش توانایی طی مسیر را داشته باشد. افراد زیادی از جمله انبیا و اولیای الهی این مسیر را طی کردند. یکی از شخصیت‌هایی که توانسته این مسیر را طی کند، تا جایی که با برترین خوبان مسابقه و سرعت به خرج دهد، وجود مقدس زینب کبری سلام‌الله علیها است. خداوند در قرآن نسخه‌های متعددی برای سلوک به سوی خود تعریف کرده است؛ از جمله این نسخه‌ها، مربوط به سوره عصر است.

وَ الْعَصْرُ یعنی سوگند به عصاره زمان که همان وجود مقدس امام علیه‌السلام است. امام صادق علیه‌السلام ذیل این آیه می‌فرماید منظور از عصر، «عَصْرُ خُرُوجِ الْقَائِمِ» است. هر امامی هم در زمان خویش عصاره عصر زمانه‌اش است.



امام حسین (ع) علیه‌السلام  
 إِنَّ شَيْئًا مِنْ سَلْتِ قُلُوبِهِمْ مِنْ كُلِّ عَشْرٍ غُلٌّ وَ غُلٌّ  
 بهانه‌ساز ماکسی است که قلبش از حرکت آلودگی و ناپاک و خیانت پاک باشد.

مرحله چهارم، مرحله شهود است. یعنی جاهایی از عالم غیب که انسان‌های معمولی توان دسترسی به آن را ندارند. از این منظر است که زینب(س) می‌فرماید «مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلًا» درباره این جمله نکته مغفولی را عرض کنم. حضرت نمی‌فرماید (رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلًا؛ من زیبایی دیدم). در این صورت گویی مسائل دیگری بوده و در بین اینها رویداد زیبایی را مشاهده کرده است؛ بلکه می‌فرماید مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلًا؛ یعنی چیزی جز زیبایی ندیدم و یا به این معنا که فقط زیبایی مطلق دیدم. با این نگاه می‌توان گفت زینب سلام‌الله علیها شاهد ابعاد غیبی ماجرای کربلا است به گونه‌ای که در قیامت از شاهدان اصلی این رویداد عظیم تاریخ بشریت شناخته می‌شوند. این مسئله جز در پرتو ایمان و عمل صالح حاصل نمی‌شود. انسانی که در خُسْر باشد، بال و پر او بسته است و توان پرواز در آسمان معنویات را نخواهد داشت.

ایمان دارای درجات و شئون مختلف است. در هر مرحله انسان باید متناسب با آن عمل کند. خداوند در قرآن از ایمان به الله، رسول‌الله و خلفای پیامبر و نیز ایمان به کتاب و ملائک و رسولانش و سایر گزاره‌های دیگر سخن می‌گوید. یکی از شئون مهم آن، ایمان به هادیان الهی و در اوج آنها، ایمان به پیامبر و ائمه اطهار علیهم‌السلام است.

به عنوان نمونه در داستان نوح علیه‌السلام خداوند وقتی قصد معرفی فرزند ایشان را دارد، او را عمل غیر صالح معرفی کرده و می‌فرماید «قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ؛ خدا فرمود ای نوح، به یقین او از خاندان تو نیست؛ او عمل غیر صالح است.» بر اساس این آیه، فرزند نوح علیه‌السلام عمل غیر صالح معرفی شده است، چرا که عملش منطبق با خواست رسول زمانه نبود و نسبت به او تبعیت نداشت؛ از این رو قبلش می‌فرماید إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ؛ او از اهل تو نیست؛ در حالی که کنعان جزو فرزندان نوح علیه‌السلام بود.

از آن سو، افرادی هستند که خودشان مصداق ایمان و عمل صالحند که در اوج آنها ائمه اطهار علیهم‌السلام قرار دارند. ایشان شاگردان و شیعیان

خویش را نیز همین‌گونه تربیت می‌کنند که در اوج آنها حضرت عباس علیه‌السلام و علی‌اکبر و زینب کبری سلام‌الله علیهم قرار دارند.

## عمل صالح پشتوانه ولایی دارد

بنابراین اصل ماجرا مربوط به ایمان نسبت به هادیان زمانه است. هر عملی که در این راستا قرار گیرد، عمل صالح اطلاق می‌شود. عمل صالح، همان عملی است که پشتوانه ولایی داشته باشد و گرنه حسنه است. عمل صالحی که در سوره عصر وجود دارد، مبتنی بر ایمانی است که در ابتدای سوره مطرح شده است که همان مصداق **والعصر** یعنی وجود مقدس امام عصر(عج) است.

در کل، صالحیت مقوله مهمی است. انبیای الهی از خداوند درخواست صالحیت دارند. حضرت ابراهیم حتی برای خود و هم فرزندان درخواست صالحیت می‌کند و می‌فرماید «رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ؛ ای پروردگار من، مرا فرزندی که از صالحان باشد عطا کن.» یا درباره خود دعا می‌کند «رَبِّ هَبْ لِي حَكْمًا وَ أَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ؛ خدایا به من حکم عطا کن و مرا در جرگه صالحان قرار بده.» یا حضرت یوسف نبی (ع) می‌فرماید «... تَوَفَّنِي مُسْلِمًا وَ أَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ؛ مرا در حال تسلیم از دنیا ببرد و به جرگه صالحان ملحق کن.»

نکته مهمی که در این زمینه وجود دارد، ایمان به اهل بیت وحی در عصر غیبت است. ارزش این نوع ایمان و عمل منطبق بر این درجه از ایمان بسیار زیاد است. در آیه سوم سوره بقره خداوند درباره این افراد که از متقینند، می‌فرماید «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ؛ کسانی که ایمان به غیب دارند.

روزی رسول خدا(ص) در بین جمعی از اصحاب خود، دوبار فرمودند «خدایا دیدار برادرانم را نصیبم کن.» اصحابی که دور حضرت بودند، گفتند: ای رسول خدا، آیا ما برادران شما نیستیم؟ حضرت فرمود: خیر، شما یاران منید و برادران من قومی‌اند که در آخرالزمان به من ایمان می‌آورند در حالی که مرا ندیده‌اند.

خداوند اسامی آنها و پدران آنها را قبل از آنکه آنها را از صلب پدرانشان و رحم مادرانشان خارج کند، به من آموخته است. آنها کسانی‌اند که پایداری‌شان بر دین خود، از راه رونده برخار مغیلان و از نگهدارنده آتش سوزان در دست بیشتر است. آنها در ظلمات، چراغ‌های هدایتند و خداوند آنها را از هر فتنه‌ای در زمین پر از ظلمت نجات می‌دهد.

<https://fa.shafaqna.com/news/862974/>

